

تشنج خلیج و بهره گیری جنگ افروزان ایران و آمریکا

امپریالیسم آمریکا به حضور نظامی خود در خلیج فارس وسعت بی سابقه ای داده است. تجمع وسیع نیروهای نظامی آمریکا و همدمان انگلیسی و فرانسوی آن و خامت اوضاع منطقه را تشدید کرده است. ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی آمریکا در مدعیان جدیدی بین المللی تهاجم و در منطقه اند. جناحهای هارامپریالیستی با بهره گیری از سیاستهای جنگ افروزان، ماجراجویانه و تروریستی رژیم خمینی می کوشند اقدامات تهاجمی خود را در افکار عمومی مردم منطقه و جهان توجیه کرده و از روی اجبار قلمداد کنند. امپریالیسم آمریکا با بهره برداری از ادامه جنگ ایران و عراق، در پی تحقق نقشه های استراتژیک خود در منطقه و تامین حقوق گسترده نظامی و سیاسی خویش در این منطقه حساس و استراتژیک جهان است.

دارودسته ریگان که به دنبال بر ملا شدن زدن بدسال بدیش با آخوندهای حاکم بر ایران، زبردست افکار عمومی مردم آمریکا و محافل امپریالیستی و عقب در هیات حاکمه آن کشور قرار گرفتند، با اقدامات اخیر خود در صدد جبران با نفاست برآمده اند و این یکی از انگیزه های اصلی تشدید تهاجمات مداخلمجویانه است. علاوه جشم انداز زدن در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا دولت ریگان و جمهوریخواهان را بر آن داشته است که بکوشند با تلاش برای منحرف کردن افکار عمومی آمریکاییان از مساله "ایران گیت" حتی المقدور مانع بهره برداری جریانات امپریالیستی رقیب از این ماجراجوشی، ریگان با قدرت نمایی در خلیج، تخلفات واقع به ظاهر "قاطع" در مقابل رژیم ایران و تحریک احساسات ناسیونالیستی آمریکا بیان به فکر حکیم موفقی و موقعیت جمهوریخواهان در انتخابات آتی آمریکا است. ریگان در این ماجراجوشیها محتاج حمایت ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی جهان بوده و تا حدودی موفق شده است حمایت دولتهای تاجرو شیراک را در زمینه تشنج فزاینده در خلیج فارس جلب کند.

علاوه بر این امپریالیسم آمریکا با این اقدام خود در مدد جلب اعتماد متحدین آمریکا در خاور میانه عربی است، اعتمادی که بر اثر ماجراجویی ایران گیت، آسیب دیده است. ریگان می خواهد حکام رژیمهای متکی به آمریکا را از حمایت آمریکا مطمئن سازد و استسکی آنها به امپریالیسم آمریکا را افزایش دهد و در این راستا موقعیت داخلی و خارجی آنها را تحکیم کند. ریگان می خواهد با مخدوش جلوه دادن سیاست صلح اتحاد شوروی در منطقه، اعتبار و نفوذ آنرا محدود و زدن ما تورا آمریکا در خلیج فارس، هدف اعراب رهبران جمهوری اسلامی به منظور تقویت با زهم بیشتر گرایش آنها به سوی آمریکا، و گرفتن امتیازهای بیشتر در روابط بین قومی ما بین را نیز تشویق کند.

سران رژیم بارها به روشنی نشان داده اند که حاضرند برای رهایی "برومندان" و "بی خطر" از جنگ و تحکیم مواضع خود، با شیطان بزرگ معامله کنند. آنها هر اسان از خشنودن بقیه در صفحه ۹

خمینی، مسئول کشتار زایران حج

روزنهم مرداد ماه، در پی سخنرانی تحریک آمیز خمینی و به فرمان او شمار کثیری از حجاج ایرانی، برخی در نتیجه تحریک شدن احساسات مذهبی شان و برخی از سرناجاری درمکه دست به تظا هیرات زدند. با تحریکات دسته های خرابکار حزب الله در صفوف تظا هرکنندگان و مقابل به پلیس سعودی موقوف تظا هرکنندگان بهم ریخت و نقشه سعودی برای ریختن خون حجاج ایرانی در سرزمین مکه تمام و کمال به اجرا درآمد. تظا هرکنندگان سراسیمه پراکنده شدند و بیش از ۶۰۰ نفر از ایرانی و غیر ایرانی به شکل فجیعی به قتل رسیدند. و بیکر کثیری از آنها زیر دست و پای فراریان چنان خرد و متلاشی شده که تا می توان آن برای بستگان شان ناممکن شد. بدین ترتیب خاک مکه هم به فرمان جلال جماران با خون زائران ساده دل در آمیخت. رهبران جمهوری اسلامی نه بطور سپوی و نمادفی، بلکه کاملاً آگاهانه و با نقشه از پیش تدارک شده سعی داشتند اسامال بیش از هر سال دیگر، مراسم حج را بوسیله ای برای تحمیق با زهم خمینی، بر سر منبر رفت و فریاد کشید:

تکرار دروغهای افشا شده

زاهدان عصرا معیار حق و باطلند هر چه را منکرو شوند این قوم را و میگویند "کلیم کاشانی"

"فریاد ما... فریاد فقر و تهیدستی گرسنگان و محرومین و با برهنگان است که حاصل عرق جبین و زحمات شبانه روزی آنان را زاراندوزان و دزدان بین المللی به بیغما می برند... آنها که در خانه های مجلل و راحت و بی دردا ز میده اند دنیا بدبر مسئولیت های کلیدی تکیه کنند، زگر به آجر راه پیدا کنند چه با انقلاب رایک شبه بفروشند و حاصل همه زحمات ملت را برپا دهند... تا بدبخت و آوری شد، ولی با پیدا و زگر در این عین جملائی است که خمینی این سرده غارتگران و دستوران و این دشمن شماره یک فقرا و محرومین و زحمتکشان ایران، در چهارم مرداد همین اسامال خطاب به "مسلمانان، مستضعفان و محرومین جهان" بر زبان آورد. آنچه که خوانندید بخشی از پیام عوام فریبانه فردی است که میهن ما را به جهنمی برای زحمتکشان، به زندانی برای میلیونها انسان آزاده و بهیچتی برای سرمایه داران و چپا و لگران تبدیل کرده است... اینها سخنان ابلیسی است که در رژیم استبدادی او فریاد فقر و تهیدستی گرسنگان و محرومین و ناله و آه میلیونها زحمتکش، گوش فلک را گرمی سازد... ولی هییهات که این فقها در و قاحت و دروغ گوئی حدود مسرزی نمی شناسند.

این حیلت با زان، فقها بندشمارا ابلیس فقیه است گرا اینها فقیها بپند. خمینی تظا هر به مردم دوستی می کند، ولی کیست که نداند که در جمهوری اسلامی این جنانیت پیشه، در زجر حمانیت همین ابلیس سرمایه داران و غارتگران دهها میلیون انسان را به خاک سیاه نشاندند. کیست که نداند که همین امروز همین امشب صدها هزار کودک به برکت سر همین خائن به مردم، گرسنه بقیه در صفحه ۲

درباره تبلیغات

زندانیان سیاسی در سنگر مقدم نبرد

اعتصاب غذای قهرمانانه زندانیان اوین که در کشور در جریان اعتصاب وسیع یافت، در حالی صورت گرفت که شمشیرهای آغشته به خون حکومت جهل و اخیستاری بر فرا ز زندانیان سیاسی در جولان است. این حرکت که از ۲۰ قیرماه پانزدهم (۱۳۰۴) اوین آغاز شد در تمام خود در روز شنبه ۲۵ قیرماه به اعتصاب خشک تبدیل گردید و اعتصاب کنندگان قهرمانان در آستانه مرگ روانه بیمارستانهای زندان شدند. اعتصاب غذای اخیر در زندان اوین در اعتراض به انتقال ۴۰ نفر از زندانیان سیاسی به بندهای انفرادی که خطرا دام آنها را تهدید می کرد، صورت گرفت. زندانیان اوین برای بازگرداندن همزنجیران خود به جای قبلی شان و نیز با تظا هر تحقق خواسته های صنفی زندانیان مبنی بر کاهش کلی تعداد زندانیان هر بند و بهبود کیفیت غذا و بهداشت در زندان، قهرمانانه خطر کردند و به اعتصاب غذا دست زدند. در شرایطی که افسانه ضاک در چهره خمینی به واقعیت تبدیل شده و دژ خیمن رژیم هرگونه بقیه در صفحه ۸

سال تحصیلی جدید و مشکلات بی پایان

- ☆ **بمداد تورم** در صفحه ۴
- ☆ **در آستانه هشتمین سال جنگ ارتجاع** در صفحه ۵
- ☆ **چشم انداز صلح در آمریکای مرکزی** در صفحه ۹
- ☆ **افغانستان و روند مصالحه ملی** در صفحه ۹

به مناسبت هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر اکثریت

- ☆ **در این شماره** در صفحه ۲
- ☆ **وضع دهقانان و وظایف ما** در صفحه ۳
- ☆ **بیمه بیکاری، اهداف و نحوه اجرای آن** در صفحه ۳
- ☆ **سربازان و نظامیان میهن پرست در سنگر صلح و ترقی** در صفحه ۵

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

خمینی مسئول ...

واکنش خمینی در برابر واقعه اسفند تکیه بر مکه و پیرو برداری تبلیغاتی و قبیحانه او از جانبی که خود مسیحا تلقی کرده است بوده است. در پیام ۱۱ مرداد که در کربلا تلاوت شد، خمینی گفت: ما همین را می‌خواستیم: "دشمنان ما (عربستان) ... این حرکتها بسیار باعث تبلیغ انقلاب ما و معرفی مطلوبیت ملت ما گردیده است ... اگر از صند و وسیله تبلیغاتی استفاده می‌کردیم (باز) دای می‌مقدود به این زیبایی میسر نمی‌گردید ... و اگر می‌خواستیم ثابت کنیم که کلیه داران کنونی کینه‌لیت میزبانی سربازان و میهمانان خدا را ندارند بدین خوبی نمی‌توانستیم بیان کنیم ... زائران، امثال پیام انقلاب و تراژدی خردا بسیار خونین ما به جهان و امت اسلام ابلاغ نمودند." و در آخرا فرود: "امیدوارم زائران ایرانی ... شهادت در کنار خاندان خدا را جشن بگیرند ... آنچه که خمینی می‌خواست به تفتیت خون صدها تراژدی برگشته است، حاصل شد. پیام "تراژدی تراژدی" و در واقع برانته خمینی از انسانیت، این بار در هیأت فا جسدای دیگر به جهان ابلاغ شد.

رژیم شبکار خمینی، بدون اندک تائیدی از مردم ۶۰۰ هزار مسلمان، بلافاصله کارزار تبلیغاتی وسیع و آفریننده و کوشش‌های مردم را سرانجام داد و تراژدی شریف و شجاعانه تراژدی جنگ کند. یک روز فتح خلیج و بهره‌گیری ...

بقیه از صفحه اول

در جبهه شمالی به منطقه کردستان عراق حمله کردند و اعلام نمودند که در این جمله ۳۰۰ سرباز عراقی راه پل‌ها را نهداند. رژیم اعلام کرد که این حمله بمنظور گرفتن انتقام خون صدها تراژدی ایرانی در یک صورت گرفت. با این ترتیب جنایاتی با جانیت دیگری توجیه شد.

بدنبال واقعه خونین مکه در روزهای ارتجاعی ایران و عربستان برای جلب همدیگاری و حمایت افکار عمومی و دولتهای منطقه و جهان به تکیه بسیار افتادند. رژیم خمینی تلاش کرد با استفاده از حادثه که حمایت کشورهای مسلمان را جلب کند، اما مردم جهان و اغلب کشورهای مسلمان، ما چرا جویم رژیم خمینی در مکه را تنقیح و محکوم کردند. امیرالیم آمریکا با افتخار فرصت به بهره‌برداری از اقدام ما چرا جویم رژیم خمینی پرداخت و تلاش کرد در سطح در منطقه را افزایش داده و تحریکات مداخلة گراندها را موجه جلوه دهد.

واقعه مکه مناسباً تجمهری اسلامی و عربستان را به شدت تیره کرد. اما علیرغم اشغال سفارت عربستان در تهران و سرغم بلوف‌های تهدیدآمیز و مضحک رژیم خمینی مبنی بر سرنگون کردن رژیم عربستان، روابط دیپلماتیک میان دو کشور قطع نگردید. رژیم جمهوری اسلامی علیرغم هیاهوی بسیارش، به این نکته توجه دارد که قطع روابط

دیپلماتیک او با عربستان بیش از آنکه به زیان عربستان باشد به زیان جمهوری اسلامی است. بسیاری از عربستان این امکان منفی نیست که در شرایط ویژه‌ای با افزایش عمده تولید نفت و گاز پیش از آنکه در تصمیمات و بیکیفیت نفت را با بین آورده و بیش از همه، جمهوری اسلامی را که در آمدش متکی به نفت است در وضعیت دشواری قرار دهد.

واقعه خونین مکه و اقدام سفیها نه و ما چرا جویم رژیم خمینی، قطع نظراً از قربانیانی که گرفت و خا شوا ده‌های بسیاری را مات زده کرد و علاوه بر تائیدی که در تشدید تائیدی و بیکیفیت مردم نسبت به رژیم کردا شد، موجب تائیدی از سوی پیش از پیش آنرا در افکار عمومی مردم منطقه و جهان نیز فراهم آورد.

مردم مسلمان، زائرانی که به پیگیری از اعتقادات خود دبه مگر رفتند، باید اعلا اصلی این خونریزی فجیع را بشناسند. خونریزی مکه بر ضد اعتقادات میلیونها مسلمان و بر ضد اعتقادات زائرانی بود که قربانی دسیسه شدند. خونریزی مکه که به دست رژیم خمینی صورت گرفت، سر استفاده‌ای بود بسیار و قبیحانه و ضد بشری از اعتقادات مردم به سود اهداف پلید رژیم ارتجاعی ایران. این جنایات از نظر بشریت و از دیدگاه مسلمانان جهان محکوم است.

بقیه از صفحه اول

مردم، در این راه بهر چیز و هر کسی حتی اسرائیل و آمریکا متوسل شده و می‌شوند. ریچارد مورفی می‌خواست و می‌خواست که در آمریکا اخباری خاص به او ابلاغ داشت. ما به اطلاع مقامات ایرانی رسانده ایم که هدف آمریکا از حضور نظامی در خلیج فارس تخریب ایران نیست، آری به تائیدی "مستقیم و غیر مستقیم" با مقامات ایرانی در این باره اشاره کرد. سران رژیم خمینی نیز به طرق "مختفی" بی‌ظربودن جنجالهای تبلیغاتی خودشان را به گوش رهبران آمریکا رسانده‌اند. جمهوری اسلامی به سمت ناوگان آمریکا در خلیج شلیک نخواهد کرد. اظهارات مکرر مقامات ایران و آمریکا در این مورد، و شواهد و قرائن موجود، هیچ‌گونه تردیدی در ادامه روابط و معاملات بینانی میان دو دولت و ریبک و آخونددها باقی نمی‌گذارد. سفارت شتابان و سرانجام ولایتی به آلمان در حال دیدار با ویگانگر، کارگری را به ریاست ایران و امیرالیم است. خا هویت تبلیغاتی عوام قربانیان به اصطلاح "ضد امیرالیم" رژیم خمینی و جنگ زرگری آخونددها با آمریکا در خلیج فارس، در خدمت اهداف معینی است. رژیم که بحران همه جانبه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گلوئی آنرا می‌شود و بسیار ناراضی توده‌ای مواجه است. می‌کوشد در این ماجرا از احساسات ضد امیرالیم مردم میهن ما سوء استفاده کند و به خیال خود با بهره‌گیری از توطئه‌های آمریکا در خلیج فارس جنگ ارتجاعی ایران و عراق را ضد امیرالیم جلوه دهد. در پی وقایع اخیر سران جمهوری اسلامی را در دیگر وقایعانه مردم رایب "وحدت کلمه" و حمایت از رژیم برای ادامه جنگ و "مقیله" با آمریکا فراموش خواهند. بدون شک مذاکلات آمریکا در خلیج فارس برای رژیم نقش همان "امداد غیبی" را دارد، چرا؟ چون هیچ راهی بهتر و عوام مغربیان به تائیدی رژیم آخوندی خود را در جنگ مستقیم با آمریکا و نمودن دیدن ترتیب جنگ طلبی کورخود را توجیه نمیداند. اگر سران رژیم خمینی خواست با یک آمریکا برسد، می‌بزرگوار و امروز علاوه بر این می‌خواهد به بهره‌گیری از مذاکلات آمریکا در خلیج شکست نشده‌های جنگی خود را توجیه کند، البته همزمان تلاش برای جلب حمایت امیرالیم آمریکا ادامه دارد. خمینی می‌خواهد با استفاده از فرصت پیش آمده، تضادهای درون هیأت حاکمه و جنگ قدرت در بالا را کاملاً در چارچوب حفظ ابتکار عمل خود تخفیف داده و شکافها را چندمیای درزبگیرد.

بقیه از صفحه اول

در این راه بهر چیز و هر کسی حتی اسرائیل و آمریکا متوسل شده و می‌شوند. ریچارد مورفی می‌خواست و می‌خواست که در آمریکا اخباری خاص به او ابلاغ داشت. ما به اطلاع مقامات ایرانی رسانده ایم که هدف آمریکا از حضور نظامی در خلیج فارس تخریب ایران نیست، آری به تائیدی "مستقیم و غیر مستقیم" با مقامات ایرانی در این باره اشاره کرد. سران رژیم خمینی نیز به طرق "مختفی" بی‌ظربودن جنجالهای تبلیغاتی خودشان را به گوش رهبران آمریکا رسانده‌اند. جمهوری اسلامی به سمت ناوگان آمریکا در خلیج شلیک نخواهد کرد. اظهارات مکرر مقامات ایران و آمریکا در این مورد، و شواهد و قرائن موجود، هیچ‌گونه تردیدی در ادامه روابط و معاملات بینانی میان دو دولت و ریبک و آخونددها باقی نمی‌گذارد. سفارت شتابان و سرانجام ولایتی به آلمان در حال دیدار با ویگانگر، کارگری را به ریاست ایران و امیرالیم است. خا هویت تبلیغاتی عوام قربانیان به اصطلاح "ضد امیرالیم" رژیم خمینی و جنگ زرگری آخونددها با آمریکا در خلیج فارس، در خدمت اهداف معینی است. رژیم که بحران همه جانبه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گلوئی آنرا می‌شود و بسیار ناراضی توده‌ای مواجه است. می‌کوشد در این ماجرا از احساسات ضد امیرالیم مردم میهن ما سوء استفاده کند و به خیال خود با بهره‌گیری از توطئه‌های آمریکا در خلیج فارس جنگ ارتجاعی ایران و عراق را ضد امیرالیم جلوه دهد. در پی وقایع اخیر سران جمهوری اسلامی را در دیگر وقایعانه مردم رایب "وحدت کلمه" و حمایت از رژیم برای ادامه جنگ و "مقیله" با آمریکا فراموش خواهند. بدون شک مذاکلات آمریکا در خلیج فارس برای رژیم نقش همان "امداد غیبی" را دارد، چرا؟ چون هیچ راهی بهتر و عوام مغربیان به تائیدی رژیم آخوندی خود را در جنگ مستقیم با آمریکا و نمودن دیدن ترتیب جنگ طلبی کورخود را توجیه نمیداند. اگر سران رژیم خمینی خواست با یک آمریکا برسد، می‌بزرگوار و امروز علاوه بر این می‌خواهد به بهره‌گیری از مذاکلات آمریکا در خلیج شکست نشده‌های جنگی خود را توجیه کند، البته همزمان تلاش برای جلب حمایت امیرالیم آمریکا ادامه دارد. خمینی می‌خواهد با استفاده از فرصت پیش آمده، تضادهای درون هیأت حاکمه و جنگ قدرت در بالا را کاملاً در چارچوب حفظ ابتکار عمل خود تخفیف داده و شکافها را چندمیای درزبگیرد.

بقیه از صفحه اول

مردم، در این راه بهر چیز و هر کسی حتی اسرائیل و آمریکا متوسل شده و می‌شوند. ریچارد مورفی می‌خواست و می‌خواست که در آمریکا اخباری خاص به او ابلاغ داشت. ما به اطلاع مقامات ایرانی رسانده ایم که هدف آمریکا از حضور نظامی در خلیج فارس تخریب ایران نیست، آری به تائیدی "مستقیم و غیر مستقیم" با مقامات ایرانی در این باره اشاره کرد. سران رژیم خمینی نیز به طرق "مختفی" بی‌ظربودن جنجالهای تبلیغاتی خودشان را به گوش رهبران آمریکا رسانده‌اند. جمهوری اسلامی به سمت ناوگان آمریکا در خلیج شلیک نخواهد کرد. اظهارات مکرر مقامات ایران و آمریکا در این مورد، و شواهد و قرائن موجود، هیچ‌گونه تردیدی در ادامه روابط و معاملات بینانی میان دو دولت و ریبک و آخونددها باقی نمی‌گذارد. سفارت شتابان و سرانجام ولایتی به آلمان در حال دیدار با ویگانگر، کارگری را به ریاست ایران و امیرالیم است. خا هویت تبلیغاتی عوام قربانیان به اصطلاح "ضد امیرالیم" رژیم خمینی و جنگ زرگری آخونددها با آمریکا در خلیج فارس، در خدمت اهداف معینی است. رژیم که بحران همه جانبه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گلوئی آنرا می‌شود و بسیار ناراضی توده‌ای مواجه است. می‌کوشد در این ماجرا از احساسات ضد امیرالیم مردم میهن ما سوء استفاده کند و به خیال خود با بهره‌گیری از توطئه‌های آمریکا در خلیج فارس جنگ ارتجاعی ایران و عراق را ضد امیرالیم جلوه دهد. در پی وقایع اخیر سران جمهوری اسلامی را در دیگر وقایعانه مردم رایب "وحدت کلمه" و حمایت از رژیم برای ادامه جنگ و "مقیله" با آمریکا فراموش خواهند. بدون شک مذاکلات آمریکا در خلیج فارس برای رژیم نقش همان "امداد غیبی" را دارد، چرا؟ چون هیچ راهی بهتر و عوام مغربیان به تائیدی رژیم آخوندی خود را در جنگ مستقیم با آمریکا و نمودن دیدن ترتیب جنگ طلبی کورخود را توجیه نمیداند. اگر سران رژیم خمینی خواست با یک آمریکا برسد، می‌بزرگوار و امروز علاوه بر این می‌خواهد به بهره‌گیری از مذاکلات آمریکا در خلیج شکست نشده‌های جنگی خود را توجیه کند، البته همزمان تلاش برای جلب حمایت امیرالیم آمریکا ادامه دارد. خمینی می‌خواهد با استفاده از فرصت پیش آمده، تضادهای درون هیأت حاکمه و جنگ قدرت در بالا را کاملاً در چارچوب حفظ ابتکار عمل خود تخفیف داده و شکافها را چندمیای درزبگیرد.

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

به برنامه‌های رادیو زحمتکشان ایران
گوش فراد دهید

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول

بقیه از صفحه اول



در آستانه هشتمین سال جنگ ارتجاع

سی و یکم شهریور جنگ ارتجاعی وارد هشتمین سال خود می شود بدون آنکه چشم انداز روشنی از صلح بدیدار شده باشد. هفتمین سال جنگ با وعده "کهنه" سال بیروزی "وفیاء های جنون آمیز و جنگ طلبانه سران رژیم آفا" از شاد چون گذشته، با تسلسل عملیات بزرگ و سرسودا، با دهجها هزار قربانی، با جنگ شهرها و کشتار هزاران غیر نظامی بی دفاع با جنگ شیمیایی و جنگ نفتکش ها و صدها جناحیت دیگر ادامه یافت و اکنون در شرایط گسترش و تراکم بازم بیشتر نظامی بوده ها، و استیصال و دورما - ندگی سران رژیم به پایان خود نزدیک می شود.

در حال افزایش است. اما مجموعه مبارزات مسلح خواهانه توده ها بدلیل غلبه خصوصا اختناق و سرکوب فاشیستی نتوانست به سطحی فرار ویدک بمنا به سک عامل تمییز کنند به سرسروش جنگ تا شیرگذازد. در عین حال نفرت متراکم شونده مردم به جنگ به جانی حدتی رسیده است که رژیم دیگر نمی توانست آنرا نادیده بگیرد.

فدائیان انقلابی مبارزات گسترده نیروهای انقلابی و شرقی خواه علیه جنگ توانست حمایت وسیع افکار عمومی جهانی را جلب نماید و رژیم خمینی را مستحبه عامل اصلی تداوم جنگ بیش از پیش منزوی سازد.

در هفتمین سال جنگ افشای بندهیستهای پنهانی پین و اشکن، تل، آویو و جوماران ماهیت ارتجاعی جنگ و نقش امپریالیسم آمریکا و ارتجاع جهانی در تداوم ارتجاع را بیش از پیش برملا ساخت، و نقاب تزویر از چهره آخوندهای حاکم بر گرفت، خصلت عوام فریبانه شعراهای فدا آمریکایی رژیم را آشکارتر ساخت و نیروی ریختن توهم آن بخش از توده های مسلمان پیرو خمینی که هنوز به فریب فدا آمریکا پی بودن جنگ باور داشتند، یاری رساند.

هفتمین سال جنگ نه "سال پیروزی" که سال سیه روزی، فلاکت، گرسنگی و بی خانمانی بوده است، بیا این بافتن این جنایات درگروان است که سازمانهای انقلابی و مترقی پیشاپیش توده های میلیونی نبردی متحدانه را علیه جنگ و رژیم سال زمان دهند.

در سال هفتم آمار و ارقام نجوی تلفات و خسارتهای سنگینی وحشت انگیز افزایش یافت. گره رژیم آماد تقی از میزبان تلفات منتشر نمی کند، و بسیاری نیروهای ترقی خواه نیز دسترسی به آمار دقیق ناممکن است. اما برخی منابع خبری و سازمانهای بین المللی اکنون شمار تلفات ایران را از هفت صدهزار تا یک میلیون ارزیابی می کنند.

در سال گذشته تنها در جنگ شهرها پانزده هزارتن از هموطنان غیر نظامی ما کشته شدند. در عملیات تیر بلای ۴ و ۵ پیش ازینجا هزارها سادر، سبسی و نظمی به قتل رسیدند. به شمار سه میلیونی آوارگان صدها هزارتن آفزوده کشت و رقم خسارتهای مرز چپا ردمیلیا رددلر ترا ترفرت. وهما نندسا لهای پیش رقمی با اکثر ۵۰٪ بودجه کل کشور - مستقیم و غیر مستقیم - به جنگ اختصا یافت.

سربازان و نظامیان میهن پرست در سنگر صلح و ترقی

می بردا زنده می گویند بیا ایدا چو تورور پلیسی، خفان مذهبی و مسومیت فکری آنها را به زور در خط "مقام رهبری" نگاه دارند.

اما جمهوری اسلامی اگر پیش از اینهم خونست، سرکوب و خفقان در ارگانهای مسلح تشدید کند، نخواهد توانست راه گسترش نفوذ اندیشه انقلابی در بین سربازان و پرسنل نیروهای مسلح را سد کند. در بین سربازان و پرسنل ارتش با مردم دیدار بشود. سربازان فرزندان مردمنده آفتقرو محرومیت خانواده ها و ممالیب جنگ و اختناق حاکم بر کشور، رنج بی برندی و تبعیض و محرومیت را که در جامعه دیده اند، در ارتش قبول مستقیم لمس می کنند. بسیاری از سربازان قبل از سربازی با سازمانهای سیاسی آشنا شده، از آگاهی و تجربه نسبی و جرات عمل انقلابی برخوردارند. سربازان طبقه پایین به اصلاح رژیم شاه و خمینی "سربازان" که بدلیل فقر خانواده هاییشان بی سوادمانده یات تحصیلات متوسطه را به پایان نرسانده اند، فرزندان دهقانان، بکارگران و اقشار تهیدست شهری هستند. در کناره خانواده های خود با ظلم و جور خوانین و سرمایه داران، در خویش نشینی و سیاستهای فزده فاشیستی رژیم در روستا و دست و پنجه نرم کرده اند. بسیاری از دردی سرباهای درخارج از محدوده شهرها، بیکاری و فقر را چشیده اند. بیا از کودکی در کارگاهها و کارخانه ها استمنا شده اند. بسیاری از سربازان دیپلمه به درجات معین به ماهیت ارتجاعی رژیم، جنگ و سیاستهای فذخلقی ارتش در جانیات از منافع سرباهای را در زمینداران آگاه اند، بیکار و یکشده در ازمانگاه تحصیلات دانشگاهی محروم مانده اند.

در عملیات جنگی و اجرای دستورات نظامی فرماندهان با بارانیم - سیاسی وظیفه مسوم کردن دوا بر عقیدتی - سیاسی وظیفه مسوم کردن افتخار سربازان را بهیده دارند. سربازان را به امتناع از شرکت مراسم مذهبی و سیاسی ایمن دوا بردعوت کنند.

برای شربخشن کردن مبارزه سربازان با رعایت کامل موازین امنیتی و هویشاری انقلابی در برابر جاسوسی و خبرچینی عوامل سازمان عقیدتی - سیاسی "سازمان حفاظت اطلاعات" به تشکیل هسته های ۲ - ۳ نفره فراخوانید. ماهیت ارتجاعی جنگ و مقاصد خبری سازمان را به سربازان و روحانیون و جنگ را افشا کنید و ضرورت براندازی رژیم و مبارزه در راه صلح را در بین سربازان وسیعاً تبلیغ کنید. عوامل جاسوسی ارگانهای امنیتی ارتش و همد و فعالیت آنان در بین سربازان را افشا کنید و سربازان ناآگاه را از رهگری بیا آستان بازدارید. سیاستهای سازمان را به میان سربازان بسپارید و آنان را به صفوف سازمان خود سازمان فدا بیان دعوت کنید!

بیمه بیکاری... شبه از صفحه ۳

قرارداد و نود و کسرق بیمه بیکاری از حقوق کارگران علاوه برحق بیمه تامین اجتماعی است. بیدتاریبغ استفاده از مزایای قانون بیمه بیکاری از ۸۵٪/۱۰۰ در حالی که بخش مهمی از کارگران از سالی قبل سواخراج شده اند، رقم نازل حق بیمه برداختی به کارگران و محدود کردن زمان برداخت حق بیمه بکارگران تا ۳ سال، و تصدیق شرط های اخلاک گرانه دیگر، جلوه های است از مضمون ارتجاعی این قانون، چگونگی اجرای این قانون با ارگانهای حکومتی است و بدون آنکه شما بنندگان کارگران و تشکلهای کارگری حق کنترل و دخالت در آنرا داشته باشید، علاوه بر آن باین شیوه، کارگران اخراجی از محیط و احد تولیدی کنده شده، واحد مزبور مسئولیتی درقبال کارگرا خراجی برعهده نمی گیرد. کارگر - ما یان و دولت باید مکلف به تامین اشتغال مجدد کارگران بیمه شده شوند. کارگران مشمول بیمه بیکاری هرواحدا بیدانظرا رتباط منفی سازمانی همچنان تحت پوشش و مراقبت تشکل کارگری همان واحدا باشند. تشکل کارگری واحدا بیدوضعیت کارگران اخراجی را با هدف بازگرداندن آنها برسرا بردار انتقال شان به کار مناسب بیکاری کند و مسئولین مربوطه (اعم از مدیریت وزارت کار و رفیره) را برای این منظور تحت فشار قرار دهد. رژیم با انتخاب شیوه های ارتجاعی و بد رسیت شناختن حق کنترل تشکلهای کارگری برای چگونگی اجرای قانون، راه را برسوا استفاده هرجه بيشتر کار فرمایان بساز گذاشته است.

با تصویب و اجرای قانون بیمه بیکاری، مبارزه کارگران وارد مرحله جدیدی می شود. مبارزه برای تغییر مواد ارتجاعی قانون، برای تامین حد اقل حقوق کارگران و مبارزه برای کنترل سرجاری قانون بیمه بیکاری توسط تشکلهای کارگری اجزای از این مبارزه است. هسته های مخفی کارگری باید با تمام نیرو برای سازماندهی و هدایت این مبارزه تلاش کنند. مساله اخراج و بیکاری کارگران بخصوس در وضعیت فعلی جامعه ایران که بحران تمام تار و بودا ترا فرا گرفته، به بیده ای مزین بدل شده است. کارآیی و شربخشی مبارزه برای بهبود نسبی این وضع اساسا قبلا از هر چیز درگرو پیوند آن با مبارزه برای بیا این دادن به جنگ است!

در جریان جنگ خونین ایران و عراق، دهها هزار سرباز قربانی شده اند. قربانیان جوان جنگ سوا وقتی که گفته "جنگ خمینی در راه اسلام" را در چشم جبهه ها نبرد آخته، کشته یا غلیل نشوند، حق کار، ادامه تحصیل و نیز جق خروج از کشور را ندارند، از اینرو آنها را از روستا ها و بیا در سرچه را راهها یا گلوا گهای امنیتی شهرها و پست های بازرسی بین راهها شکار می کنند. قوا بین زمان جنگ و نظام مظاهرت کورگرا نه حق نفس کشیدن را هم از سربازان سلب کرده است. آنها مجبورندهم کارهای شاق یا دگانا از آسبزی و نظافت گرفته تا با دویی فرماندهان، بیکاری را در جبهه ها سنگرکنسی و حمل و نقل تجهیزات نظامی تا مرده کشی را به دوش کشند و درازای هر "خطای" ناچیزسره توین و تو بیخ را تحمل شون. زبیراکه درسلمه مراتب ارتش سرباز فقط حق دار چشم بسته اطاعت کند، سرباز وظیفه دار دنا بای مرگ در راه اهدا فارجا عی رژیم به جنگ و دو حق نادر صادی اعتراض خود را علیه جیره نقدی ناچیز، ناغور مخی ها، شرایط بد تنذیبه و درمان دروا حدهای نظامی بسند کند.

بخشی از سربازان معتاد شده اند، اینها بیدیده شوم از بیطن اهریم جنگ زاده شده و فدا برضاعف تبلیغات و برانگر مذهبی، مراسم نوحه و تو بیه پیش از "شهادت" درازایش این بیده نقش جدی دارنند. دخالتی ناروا ی دوا برسایسی - عقیدتی در زندگی سربازان نشاط و شور جوانی سربازان را به بیمی می برد. جبهه جنگ با عراق، شنایقتلگاه پرسنل ارتش و سربازان نیست، رژیم بخش دیگری از آنان را در جبهه خونین دیگری که در خاک میهنان یعنی در کردستان گشوده است، به هلاکت می رساند. قریب ۸ سال است که رژیم در کردستان خون مردم را می ربزد و سربازان را وای می دارد که بیا سه روی مردم محروم کردستان شلیک کنند، یا کشته شون. در حال حاضر حدود ۴۰۰ هزار سرباز در قرا رگا ههای کردستان مستقرند. با تشدید تشنج آفرینی رژیم خمینی و امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس، شمار بیشترتری از سربازان و بیا سداران و وظیفه برای قربانی شدن در راه دیوانه سری های رژیم تحت عنوان مدافعان خلیج فارس و بسببجان دریا شکار می شونند. قاعه جنگی که ۷ سال ادامه یافت، ظاهرآ در جارجوب وظایف رسمی ارتش هنوز صورت قانونی نداشت. اکنون با تصویب "طرح قانونی ارتش" "بیداد در راه خدا" و تجا و زگری و کشورگشایی اسلامی تحت عنوان "یاری به ملل مسلمان یا مستضعفان درزمه وظایف اسلامی ارتش در گرفته است. بیا بیا این مادام که حکومت جمهوری اسلامی وجود دارد، سربازان نه تنها در جنگ با عراق، بلکه به هر کجا که مصالح "سلام عزیز" اقتضا کند، اعزام خواهند شد و در راه جهای نامقدس قربانی خواهند گشت.

به جبهه نروید، در حمله شرکت نکنید، جبهه را ترک کنید!

غرث مهیب هوایما های جنگی صدام ، انفجار
مبها ، وحشت ، سراسیمگی مردم ، گریه...
سی بناهی ... درماندگی ... هوایما ها بر ارتفاع
کوتاه خا باریک و بهر یک ریستن مردم در حال گریز...
زنی با ردا مریک خیا بان دونیم می شودنوزاد
نارس چون هایتازه صدشده بر آسفالت و خسون
بر برمی زند ... کودکی در حال فرار مهلت بیهودن
غرض خیا بان رانی یاد ، راننده های هراسان
محال رعایت عابر درخون تپیده رانی بایند و
بیکرکودک دبستانی دست اندازی است تا چیزی
در گذر ا توصیل های شتابان ، بمب ، سراسیمگی
گریز خون ، بر کبار ، فجه ، جسد ... جهنم ، جهنم جنون
حنک خمینی ، جهنم هواز ۱۰۰ هواز ، لخت و بی دفاع
مکومی چشم بسته بر جویبار ، حاتم شوع ، خمینی
ما مور عادم مدام !

چهره ام گنجایش چشما یه مراد ندارد ، چهره راه
آبادان جطور گنجایش این همه فاجعه را دارد ؟
" - از کارخانه تا اینجا را کی ، جطور آدم ؟
- از خصیر آباد دور بر می خاست !

از کجا دور بر می خیزد ؟
خانه فردی مومی بود ، از صبح تا الان ... جقد رمب
... چند هوا بیما ؟ بیجهل ، بیخانه تا استیلا
را به روز سرد و گرچه حظ می کنم ، جاده کمربندی
کمربندی ارتش ، خون ، آوار ، دست رده ، لحاف
آویزان از دیوار ویران ، تصویر از گون خمینی
در کنار نگال جدید کودک ... دوزن دردو گوشه
یک ویرانه - در غربتی ناگهانی - با چشما بی خبر
به هیچ کس ... دختر بچه ای دوسه ساله و تنها ، وحشت
زده زنی کسی از جهای ویرانه ای را با دست های
کوچک و بی حرکت این و آن سوی کند ... به جستجو
که ؟ گلویم مثل کاغذ شده است ... نغمه بر می خورد
... کنار جاده ویران می شوم و استغراق اما نسیم
نمی دهد .

هوازمی لرزد ، هواز آواری شود ، آواری شود
بر زندگی کودکی که هنوز ما در نیستیم ، چه
نا می دیگر گرفته است : گریه ای ، ۱ ، گریه ای ، ۲ ، گریه ای
۳ ... هزار قتلگه که برپا شده : شرق بحر و هر نقطه
ایران ، از کشته های فراوان از ویرانه های
آبادان ، مرگ ، از ربا و آسان ، ربا گان و در دسترس
برای همه ، بدون فدا ، بدون احتکار و به جای همه
جیب به جای دشت و رودگدا و روپریه ، برنج و روغن
و گوشت ... به جای کار ، به جای فرزند ... بسواری
ما در بدر ... و ساری همسر .

هیات هوا بیما ها و تلیک مسلسل های شان بیش
از غرش آن ؟ فضا را گم می کند ، مردم به هیچ
کجا می گریزند ، می مانند ، بر می خیزند ، بر می خیزند
هوا بیما ها گم می شوند ، نه ، تنفسی کوتاه و دستهای
دیگر و سبها ، شتابان ، در فاصله ای از زمین -
پیش از رسیدن ، می ترسند ، ویران می کنند ، می کشند
به خاک می افکنند ، قتل بر گریزان .

هوا بیما ها نا بیدمی شوند ، من و دو جگر همدیگر
را به خیا بان با ریگی می کشانیم ، آراش با ورتا پذیر
شکننده ، و دروغ با دود و غبار هوای خیا بان
آمیخته است ، از خانه های مدعی بر می خیزد ، تنها
عابریان خیا بان منم ، با نشانه های از صدام
و خمینی ... چاله بمب بگرف آسفالت ، بگوشه نوزاد
گلوله های مدام در آبراه خشک ، جای ترکش بزرگ
دیوار ... و بر تصویر "شهادت" مردم که تویبتش است
امروز رسیده ، اینجا شما بنگاه مگر ما دران است
... دیوارهای تصور ، به جای هر زندگی عکسی بردیوار ،
تصویرهای برهم انباشته ، تصویرهای تازه تازه ،

زندگی زنان در جهنم جنگ

فنا جبهه زندگی در جبهه ای که اضطراب جنگ هر روز هر لحظه ،
تضامی لرزاند ، در می سربستی ، بیگاری و زندگی
در بیفوله های که نام " اردوگاه مهاجرین سر
آنها پیدا دادند ، بی هیچ امید به آینده با همه
ابعد شرح شنیدند .

ساکتانا ثابت اردوگاهها را زنان و کودکان
تشکیل می دهند .

اکثریت زنان آواره هیچ امکانی برای اشتغال
ندارند ، مطایق آمار دولتی از قریب ۱ میلیون آواره
جنگی در سال ۶۱ ، تنها ۲۱۹۰۸ نفر در کارگاههای بی
که توسط بنیاد مهاجرین جنگی احداث شده ، برگام کرده
شده اند ، اکثریت بزرگ این شاغلین مردان هستند ،
جیره نقدی ناچیزه ۳۰۰ - ۴۰۰ تومانی هم هراژگای
قطع می شود زنان آواره ما بویان تلاش بسرایی
بافتن کار ، برای تامین هزینه زندگی ، خود را به
هر آب و آتشی می زنند ، جنگ فرهنگ و فضای جامعه
را عوض کرده است ، دستفروشی زنان دیگر منظورهای
عادی است ، فقر و بیساری از این زنان زحمتکش و
شریف رابه قاچاق فروشی و گدایی کشانده است ،
زنان و دختران آواره رابه بیگاری و سیاه و سیخ
می برند و در آن محیط های غیر اخلاقی ، به تبلیغ
فحشای اسلامی یعنی صیغه می بردند ، تازه این
بخش شرعی وقتا نونی کار است ، مسئولین بنیاد
و بیا سداران اغلب بزور آنها مورد سوء استفاده
قرار می دهند . شرایط دشوار زندگی ، بیساری از زنان
را ناگزیر کرده که روزی خود و کودکانشان را از راه
فحشای اسلامی بدست آورند ، فاجعه اخلاقی و بینایی

لاستیک می سوزاند ، در هایت جوانان و زحمتکشان
عرب و فارس از محله های خزعلیه ، بل سیاه ، شلتنگ
آباد ، رفیش آباد ، خشایار ، سه راه خرمشهر
به شور و حرکت در می آید ، مرگ بر خمینی را ورد
زبان می کند ، رفیش را قرق مردم می کنند ،
از خیزش مردم حمیدیه و سوسنگرد و تا دنگا و زانسان
بیرومنه ما شهروبه شغف می آید ، روزها مه حکومتی
" اطلاعات را به عذرخواهی از مردم عسرب میکشاند و
وامام جمعه اهواز ورین جمهور رژیم را به انصاف
و تمنا و می دارد ... لشکر آباد هم تاریخ خود را دارد !
به طرف کبابان پارسی بیچم ، با سار همسای
خمینی ، مثل همجا ، قتلگاه " سازمان آب را قرق
کرده اند : هراس از دغدیگان دارند ، از مردم ،
از جمع ، نظرات ، شعار ، درگیری ... و ناظر
۵۷ ... و دورتا دور منطقه را گرفته اند ، محاصره نظامی
در بر می زنم و زمین قرقره فاجعه هزار باره را
نظاره می کشم ، انسان گداز ، حاصل کار و رویش
در هم ویران شده اند ، شبکه آب اهواز کار افتاده
است !

باز می گردم ... و به اول بل می رسم ... کجا
دارم می روم ؟ ... کجا با ییدباشم ... کجای این
جهنم ... این جهنم غریب ؟ ... در غربتم ، گنبد
شده ام ، از عادت هایم دور شده ام ، بر ایتم غریب
است که یا هم همچنان رکاب را می فشرند ، کسب
دستهایم هنوز دستهای فرمان را در خود گرفته اند ،
که نسیم بازم بالا می آید ، که کارون هنوز ...
هنوز ... هنوز می گذرد وقتا مثل دیروز ، مثل
پارسل ، مثل ده سال پیش ، بیست سال پیش ،
مثل همیشه می تابد ... اگر ... اگر همین الان ...
همین لحظه ، بمب من و ویل ورودخانه را در هم
بپیچد ... نه ... هیچ ترس و شتابی برای رسیدن
به آن طرف بل در من نیست ... زندگی چقدر
می کشد راه هواز ... در فلول ، اندیمک ، سربندر
و در بصره ... در بصره ، وقتی ترکش گلوله
توب ها و دور بر خمینی کودکی که شش ماهی را به بند
شود با در جانش می رود ... و در جانشی که از رسیدن
به خانه با زحوا هذگشت ... و او هم برین را خواهی شد
شما به ... خانه ... خاست ؟ ... حسیرا با ... ؟
شتاب می گیرد ، ۲۴ متری را می گذرانم ، هواش شمر
سنگین است ! از کربل ریل سایه و تعمیرگاه ها
کا رنگاها به رستنه میمانم ... و از جبهه (خط آهن) رستنه
که ... که صحنه وحشت تکرار می شود . میدان با رفیورها
غلغله است ، رفتگران ، نسیم ... دست و پا
و جا روو کاروبه و خون ... در کنار میماند و در
در میان برق شده است : با ساراها ...

با ساری با جبهه قناب سوخته ، خشناک و مکرر
با مشت و تنگی بر آسان می گرد ... چرا ... جاران
را ... نمی ... زندگی ... حشکتی سادار ، بیست
می دهد : آخر آنجا کمثل خانه ما می دفاع نیست !
از جاده کارون نمی توانم بگذرم ، بر می گردم
به کمر بندی ، خن آن در انتظار قطاری دیگر ، خاموش
و مطمن ، دنیا لهای خود را در دست گرفته است ،
در امتداد ریل ها یک کارگر نفت بال باس کار به سوی
ویرانه های سوخته می رود با خمینی به بوجیره پیدا
متفرک و سنگین یک کلام را تکرار می کند : " فردا
با حافظه اهواز بدرم را می بینم شیان بفرسک
دو جگر همکارش از طرفت نساجی شوش" به جاده آبادان
می زنند و سبب من می آیند ... مادرم نگسارن
و منتظرات ، بدرم اول غروب با دسته های اعلامیه
حسایت از زلفی شدن نفت به کارخانه رفته بود و
وحالاً ... شادما به بر می گردد ●

تعمیرات زن ان تهیدست که جنگ خمینی همه چیز
آنها را از دستمان گرفته ، امکان وقوع یافت
است . دختران ، زنان و پسران
نوجوان به فساد اخلاقی کشیده می شوند ، با جفحه
زندگی خفت با در اردوگاه ها و بیامده های آن
بدان در دم می رانند ، ربا کباب جانی ناخواسته
و ای دانه پیدا شدن سعدختین دختران جوان
و نوجوانی که بدست پسران بستان نزدیک دیده
قتل بریده اند ، در زباله ها و رطلی و اردوگاههای
شیراز و خوزستان ، منظره دردناکی است که هر بار
تکرار می شود .

در اردوگاههای نکبت زده از تغذیه خسب و
پیدا شت خبری نیست ، بیماری های پوستی ، رودهای
و سوء تغذیه سوزید در میان کودکان بیامده می کند .
فاشدان جادگشته شان جنگ در محیط جومه شهرها
و شیوع بیماری های جفحه ، میزان بیماریها و
عوض و مرگ و میر کودکان را بالا برده است ، زنان
تهیدست توانایی برداخت هزینه سنگین درمان
راندارند . بیماران قبل از هر جمله بسرایی
بذیرش مورحین جنگی تخلیه می شود ، به ایمن
ترتیب با آغا زهره مثل گروه تازه ای از کودکان
بیمار قربانی می شوند . مادران پریشانی که داغ
مسرور فرزنددارند ، دستشان به محبتی دارند
دارز می شود . لبها بی راه خنده ای نمی توان
کشود کودکان در ایمن میان بخودرهای می شوند ،
هیچ وسیله تفریح با بازی ندا رند و زمینهای
خاکی و زباله های ناآرامی هم می لوند ، از اسباب
۶۵ به ایمن و خوزستان ، شیراز و افغان اقدامه
ایجاد مدارس ویژه برای فرزندان شهید کرده اند .
رژیم این بچه ها را بستم کرده و حق ادامه آزادانه

جنگ با از رخرا قه پرستی را در میان این قربانان
بویژه زنان داغ کرده است . پیشک - ویسان
و عسرتانوسان شگرتنه سنگین
بولیای گراف از زنان ، در مورد سر نوشت شهید
مفقودا لاش ، اینکه روحش در پشست است یا اسیر
است وغیره یاوه می بافند .
جنگ فاجعه رابه تمامی بر زندگی مردم مسلط
کرده ، زندگی جهنمی زنان و کودکان نیز حصول جنگی
است که رژیم خمینی دوام آنرا می خواهد ●

هنر و ادبیات مردمی

ما هنام فردوسی، گنجینه اساطیر، تاریخ، فرهنگ و زبان مردم ایران است. این حماسه سترگ مردمی را، حماسه داد و ستد حماسه ملی ایرانیان تیسز خوانده اند. قیام کاوه آهنگر از درخشان ترین و مردمی ترین نمونه های اساطیر ایران و جهان است. سخن آزادانه های ضحاک است، از غارت و کشتن و سوختن و بدآموختن از خوار

"بیان چنان را به بد نسیریم"

"یادشاهی ضحاک"

بر اوسالین انجمن شدهزار
براکنده شدکام دیوانگان
نهان راستی، آشکاراگزند
زینکی نبودی سخن جزبسه راز
جز از غارت و کشتن و سوختن
جده کپترچه ازخمه پهلوان
وزو ساختی راه درمان شاه
مرآن ازدها را خورش ساختی

"قیام آهنگر"

که در پادشاهی کند پشته راست
که ای برهتر با گهر بخردان
که جز تخم نیکی سپید نکشت
گواهی نوشتند برنا و پیسر
بر آمد خروشیدن داد خواه
جز ارنج و سختی همه بهر ماست؟
شکفت آمدش کاین سخنها شنید

چو ضحاک بر تخت شد شهریار
نهان گشت آیین فرزنانگان
هنر خوار شد جادویی ارجمند
شده بریدی دست دیوان دراز
ندانست خود جز بدآموختن
چنان بدکه هربش دومرد جوان
خورشگر بریدی به ایوان شاه
بکشتی و مغزش برون آختی

زهر کشوری موبدان را خواست
از آن پس چنین گفت با موبدان
یکی محضرا کنون بیاید نبشت
در آن محضرا زدها ناگزیر
همانگه یکا یک زدرگاه شاه
اگر هفت کشور به ناهای کسراست
سپید به گفتار او بنگرید

شدن هنر و ارجمندی جا دو فرانه. گویی حکیم توس، ازورای قرون و اعصار
سیمای تکلیت با رولایت فقها را تصویر می کند.
و نیز سخن از دادخواهی کاوه آهنگر است و خروشیدن مردم و زبونی ضحاک
ماردوش.
گویی از دادخواهی امروز و سر نوشت محتوم خمینی خود کاوه سخن می رود.

بفرمود پس کاوه را پادشاه
خروشید کای پایمردان دیسو
نباشم بدین محضرا ندرگواه
چو کاوه برون شد ز درگاه شاه
همی بر خروشید و فریاد خواند
از آن چرم کاهنگران پشت پای
همان کاوه اندر سرتیزه کرد
همی رفت پیش اندرون مردگرد
زدیوارها خشت و از بام سنگ
بباید چون زاله زابریسپاه
بشیر اندرون هرکه برنا بدند
سوی لشکر آفریدون شدند
ز آواز گردان بتوفید کوه
به سر بر زگر سپه ابر بربست
از آن شهر روشن یکی تیره کرد
نخواهیم برگاه ضحاک را
ببیرند ضحاک را بسته خسوار
ببیاورد ضحاک را چون نونند
از اوانم ضحاک چون خاک شد
بیان چنان را به بد نسیریم

فرزندانها روحیه غالب است و نقشه های شوم و تلاشهای
بی حاصل خمینی و گزرهاها پیش برای مسخ سیاسی
وایدولوژیک زندانیان سیاسی روز بروز با شکست
و فضا حت بیشتری مواجه می شود.

اعتصاب غذا بی که در زندان اوین صورت گرفت،
تجلی آشکار همبستگی زندانیان در تیزتر کردن آتش
مبارزه علیه رژیم است. این اعتصاب و حرکت است
اعتراضی قبلی، با ظرافت اتحاد در مجویانه زندانیان
سیاسی زمان شاه راننده می کند که علی رغم
اختلافات مسلکی و سیاسی شان، بمشایه مشت واحدی
در برابر ما مورین شاه عمل می کردند.
خلیفه جماران که به عبث راه نجات خود و حکومت
راتکیه بر سر نیزه و اعمال خشن ترین وی سابقه
تورین شیوه های ترور و شکنجه و سرکوب مبارزان
می بندارد، طی حکومت جنا بیکارانه اش توسط
عمل از خود هزاران تن از بهترین فرزندان میهنمان
را شهید و دهمها هزار تن را به زندانها افکنده است.
وظیفه همه انسانهای آزاده است که در برابر
این جنایات ددمشانه به اعتراض برخیزند. دفاع
از زندانیان سیاسی، حمایت از مبارزات آنان
و افشای جنایات بی شمار عمل رژیم نسبت به
زندانیان، از مهمترین وظایف ما است.
بر ماست که به هر طریق ممکن، فریاد اعتراض
زندانیان سیاسی را به گوش مردم میهنمان و همه
جهان نیا برسایم.

امروز اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه
و کلیه خاندانها و آزاده های زندانیان سیاسی اهمیت بیش از
پیش یافته است. مبارزه متحد و همبستگی قهرمانان
زندانیان سیاسی در برابر اعمال رژیم، خود می تواند
و باید بمشایه به سر مشقی برای اتحاد عمل نیروهای
انقلابی و ترقیخواه در حمایت و پشتیبانی از مبارزین
زندانیان سیاسی و افشای جنایات رژیم خمینی قرار گیرد.

امروز وظیفه همه ماست که متحد و یکپارچه
ضمن تبلیغ وسیع و موکد شعار "زندانیان سیاسی آزاد
باید گردد" از خواستهای مشخص این حماسه آفرینان
در بند حمایت کرده و نگذاریم رژیم نقشه های
جنا بیکارانه شان را در مورد آنها عمل سازد.

طبقه کارگر بیکرترین دمکرات است که لنین می گفت
کسی که در عمل فراموش کند که هر ساله ای دمکرات تیکی را پیش از

دیگران طرح کند، برجسته سازد و حل کند سوسیال دمکرات نخواهد بود.

فعلیت دموکراتیک کمونیستها نه صرفا ناشی از خلقت هومان نیستی (انسان -
دوستی) و فضیلت دوستانه مجرد آنان، بلکه جزئی و تابعی از مبارزه آنان
بخواطر سوسیالیسم و کمونیسم است.

کمونیستها موظفند برچم دروغین دموکراتیسم را از دستان عالیشان
بورژوا - همچون بازرگان و شرکای او... در آورند و با مدافع پیگیر و پیش از
همه از حقوق دموکراتیک توده ها، مبارزه برای دموکراتیسم را با مبارزه در راه
سوسیالیسم پیوند زنند.

تبلیغ دموکراتیک به مفهوم لنینی آن، عرصه ای مهم در این راستاست.
(ادامه دارد)

کمونیست گذرگری شونده، حزب کمونیست چپ های
شوند، حزب کمونیست آلمان، حزب کمونیست
اتریش، حزب سوسیالیست اتریش، حزب سوسیالیست
دانمارک، حزب کتا و زنان یونان، اتحادیه
کارگران و پیشقدمان فنی انگلیس، سندیکای
عمومی کارگران (ات.ژ.ت)، کنفدراسیون
کارگران یونان، اتحادیه های کارگران چپ و
و انجمن شورا های سندیکایی در لندن، سندیکای چلو
کاغذ و سندیکای فلزکاران آلمانی،
کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا (بزرگترین
اتحادیه کارگری ایتالیا)، سازمان جوانان
کمونیست سوئیس، سازمان جوانان
کمونیست یونان، سازمان جوانان
کارگرسوسیالیست آلمان فدرال، جوانان
سوسیالیست آلمان و متحدان دیگری از نمابندگی ها
و هیوان احزاب، اتحادیه ها و سازمانهای بین
المللی با حضور در محل اعتصاب فداییان خلق و سیا
ارسال پیام، مبارزه زندانیان سیاسی ایران و مبارزانشان
اعلام همبستگی نمودند. ترور، شکنجه و نقض
ابتدایی ترین حقوق انسانی نسبت به میهن پرستان
در بند ایرانی را محکوم کردند و خواهان آزادی همه
آنها شدند.

موج همبستگی بین المللی با مبارزات فرزندان
دلور و میهن دوست ایران که در سایه های رژیم
نبردی تابی جان دست زده اند، همچنان ادامه
دارد.

زندانیان سیاسی... بقیه از صفحه اول
ندای آزادیخواهی و هرا اعتراضی را بیعانه سرکوب
میکنند اما بغضی از زندانیان سیاسی اوین دارای اهمیت
ویژه است. این اعتصاب در حالی رخ می دهد که رژیم
ددمش خمینی زندانیان سیاسی را با ظر مطلق
ابتدایی ترین حقوق صغی و انسانی شان، به جوخه
اعدام می سیرا ردومی گوشه اعمال وحشیانه ترین
شکنجه ها از هرگونه حرکت اعتراضی و مبارزه جمعی در
زندانیان جلوگیری کند.

زندانیان سیاسی با اعتصاب غذا مجدداً
یکبار دیگر نشان دادند که روحیه مقاومت و مبارزه

همبستگی مردم ترقیخواه با زندانیان اوین

خبر اعتصاب قهرمانان زندانیان سیاسی
اوین و کوه رشت در ۴ تیر ماه در داخل و خارج کشور
توسط کمونیست آلمان خلق، به اطلاع مردم ایران و جهان
رسید. اطلاعاتی مطبوعاتی کمیته مرکزی سازمان
در اروپا، خبر این مبارزه دلیرانه را به سرعت
در سراسر جهان منتشر ساخت و رسانه های خبری جهان
این اخبار را منعکس نمودند. به نقل از بیانیه های
مطبوعاتی سازمان، خبرگزاری فرانسه، "وما نیته"
ارگان حزب کمونیست فرانسه، "اوپینا" ارگان
حزب کمونیست ایتالیا، روزنامه "عصر ما" ارگان
حزب کمونیست آلمان، فولکس اشتیمه ارگان
حزب کمونیست اتریش، "آریا تیرتسا" یوتیگ نشریه
حزب سوسیالیست اتریش، روزنامه "مورینگ استار"
در بریتانیا، روزنامه "پرتراژ" دانگونیو، "تیر"
پرسودر، روزنامه "شقی شمالی" سوئد، "هفته نامه"
نیورورکزدرا انگلیس، روزنامه "کلنرا شتات"
انشاریکر، روزنامه "کلنر وندتا" و "تسمتاد"
دیگری از رسانه های گروهی در اروپا به جا با این
اخبار اقدام نمودند. به این ترتیب جهان نیسان
در جریان اعتصاب غذای فرزندان قهرمان خلق
ماترا در گرفتند. و با مبارزات آنها اعلام همبستگی
کردند.

فداییان خلق در خارج از کشور در پاسخ به فرا -
خوان سازمان در همبستگی با مبارزه انقلابیون
در بنسند، در کشورهای مختلف دست به اعتصاب
غذا زدند. رفقای ما در انگلیس، سوئد، آلمان
فدرال و اتریش با اقدامات وسیع همبستگی، مردم
این کشورها را به حمایت از زندانیان سیاسی
ایران فراخواندند. موج همبستگی احزاب، سازمانها
گروهها، اتحادیه ها، و کمیته های آزادیخواه و بشر -
دوست با انقلابیون اسپر اعتصابی ایران بیانگو
حمایت پر شور بر ترقیخواه از مبارزه خلق
ماست.

حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست ایتالیا
حزب کمونیست دانمارک، حزب کمونیست هلند، حزب

"کمونیستها" از هر جنبش انقلابی علیه نظام اجتماعی کنونی و از هر خلق
ستمکن و بیروان هر مذهب و هر گروه اجتماعی ستیزه و... در مبارزه
آنان، برای احراز برابری حقوق پشتیبانی میکنند. (لنین)

چگونه می توان خود را کمونیست و مبارز را سوسیالیسم و کمونیسم خوانند
ولی در برابر رژیم ولایت فقیه و استبداد دیکتاتور تیک (که میلیونها مردم کشور
را مستضعف یعنی ناقص العقل و در حکم دیوانه و یا کودک محسوب می آید) رد و فری
را "ولی" و "قیم" را صاحب اختیار همه آنها تلقی می نماید (قرار گرفت، چگونه میتوان
از کنار استبدادی که هر نادی اعتراضی را با شلاق و شکنجه و اعدام با هیچ
می دهد به راحتی گذشت و ستم ملی و سرکوب خلقها را با لاقیدی نظاره کرد، به ستم
قرون وسطایی بر مبنای از جامع یعنی زنان بی تفاوت ماند و بر پایمال شدن
حقوق دمکراتیک توده ها در عرصه های متعدد چشم پوشید. کمونیستها به شایه هاگان

سال تحصیلی جدید و مشکلات بی پایان

بیش از ۱۱ میلیون دانش آموز در آموزشگاهها حاضرند... برای سال تحصیلی جدید آماده می کنند... مشکلات آموزشی و معنوی... مشکلات اقتصادی... مشکلات اجتماعی...

یکی از بزرگترین ویرانگری های رژیم... انحطاط کف دانشمندی... ارتجاعی و تاراج اندیشی... و دانش را در این عرصه... آموزش شوردهمه... مضمون علمی... افکار پیوسیده... "علمیه" بیرون کشیده شده...

بحران رژیم تا ثیرات مخرب خود را بر دوش دانش آموزان و دانشجویان... مشکلات اقتصادی... مشکلات اجتماعی... مشکلات فرهنگی... مشکلات سیاسی...

سرویس ها گران و بی کیفیت است... و بی نظیر خوا بگا ها و مشکلات عدیده... از دانشجویان بیوژه... به ترک تحصیل... این محرومیت ها و انگیزه اعتراضی... و دانش آموزان را دامن زده است...

در سال تحصیلی جدید... نارضایتی توده های از جنگ و رژیم... مبارزه در دانشگاهها... بحران فزاینده درونی رژیم... راضی شدن از وضعیت موجود... مشکلات اقتصادی... مشکلات اجتماعی... مشکلات فرهنگی... مشکلات سیاسی...

درباره "لایحه تعدیل مالیات" کارمندان

چندی پیش مجلس آخوندها کلیات لایحه تعدیل حقوق کارمندان... لایحه تعدیل مالیات... حقوق کارمندان... مالیات... حقوق... لایحه... مالیات... حقوق... لایحه... مالیات... حقوق...

قابل توجه اینکه... حال کارمندان... اعتراض مردم... که کمتر از ۶۳ هزار تومان... معال ۷/۳ میلیار... در سال ۶۴... بودجه کل کشور... بعنوان مالیات... ۶۳ مالیات پرداختی... معیار... درآمدهای کلان... نپرداخته اند... نسبت موجودی... تورم ناشی از... رژیم خمینی... پس... اظهارات یکی از نمایندگان... می رسد... مالیات حقوق کارمندان... حقوق بخش اصلی... به حقوق کارمندان... نشان خواهد داد... افزایش ۱۵ درصدی... از کارمندان... کالاهای اساسی... یا اصطلاح تعدیل... توسط تجار... معنی این... مذبحان از سوی رژیم... ایچا دشکاف... آنان نیست... علیرغم ادعاها... ضدیت خود را با... آخوندها جز به جیب خود... و سرمایه داران نمی اندیشند

به سرپا زان و نظا میان میهن پرست!

مشمولین وظیفه... است سرپا زان و پیا... نظا میان گروه... خدمت سرپا زان... باسدا ران و سرپا... اهداف عظمت طلبانه... است هستی مردم... نصیبتان می کند... دستورات نظا... واقعیت هولناک... افتخار کنید... برای مردم بازگو کنید... سرپا زان آگاه... ضد بشری رژیم... را در بین سرپا زان... فدایان خلق ایران (اکثریت)

سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت)
آدرس: P1-10 1091 WIEN AUSTRIA
حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN 9AWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگی رژیم جمهوری اسلامی!